ایران ورزشی

روزنامه ورزشی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی ■ تلفن: ۱۴ ـ ۸۸۵۰۴۱۱۳ ■ نمابر: ۸۴۷۱۱۱۷۳ ■
سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ـ ۸۸۵۰۱۳۰۰ ■ ۸۸۷۴۶۵۸۳ـ انتشارات: ۵ و ۸۸۵۴۸۸۹۲ ■ امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰ ـ ۸۸۵۲۱۹۵۴ ■
نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ / صندوق پستی ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ ■ چاپ: ایرانیان

@iranvarzeshii یکشنبه ۴ اردیبهشت ۱۴۰۱- شماره ۷۰۱۹

نظر خود را به این شماره پیامک کنید 3000 45 12 13

WWW.INN.IR
info@inn.ir

ولاسکو برای مشورت به من حساب مایه گذاشت

کمپدلی: پیشرو بودن ذات دختران ایران است

تحول در والیبال زنان، حداقل سه سال زمان می خواهد

گفت و گوی ویژه
مهری رنجبر

گفت و گوی ویژه
سعید زاهدیان

آن قدر جسور هست که خودش باشد و خودش، اصل اصل؛ بدون هیچ گونه کپی برداری یا اینکه شبیه کسی باشد. او که همیشه پا به پای مربیان مرد در تیم‌های بزرگ ایتالیا کار کرده، حتی بازیکنانی دارد در ردیف ستاره‌ها که در تیم‌های بنام یا تیم ملی مردان کشورش توپ می زنند، حالا آمده تا تجربه جدیدی را جست‌وجو کند؛ تجربه‌ای متفاوت.

حرف از اله است، مربی از سرزمین چکمه. او که بدون هیچ شناختی و شاید تنها با تعریفی که از خولیو ولاسکو شنیده بود، شال و کلاه کرد و به تهران آمد تا به پیشرفت دختران ایران زمین کمک کند. هرچند او برای اینکه زنان والیبال ایران در آسیا سری توی سرها دربیاورند، یا به قول خودش انقلابی راه بیندازد، به ۳ سال شیرین زمان نیاز دارد. الساندرا آمد و به قول خودش همه شنیده‌هایش را به چشم دید. هرچند هنوز هم به گفته خودش شناخت کافی از ایران و زنان و مردانش ندارد. اما یک چیزی را خیلی مطمئن است: «زنان اراده قوی دارند، پیشرو بودن ذات دختران ایرانی است و می خواهند خودشان را ثابت کنند.»

سرمربی تیم ملی والیبال زنان، برایش مهم نیست بقیه چه فکری می کنند، او به حدی به خودش و کارش ایمان دارد که حتی با شجاعت تمام می گوید: «می تواند سرمربی تیم ملی مردان ایران شود.»

اسمت را به ایتالیایی بگو.

■ الساندرا کامپیدرلی.

چرا شما را اله صدا می زنند؟

■ در ایتالیا اسم های اینچنینی را اله می گویند. اسم مستعار است.

زمانی که من کودک بودم و به دنیا آمدم در خانه ما بحث بود که اسم من را چی بگذارند. مادرم می گفت مسعود، پدرم می گفت علی و عمویم به من گفت سعید. اسم شما را بر چه اساسی گذاشتند. در ایتالیا چگونه اسم می گذارند؟

■ آن موقع که من به دنیا آمدم سریالی پخش می شد که اسم شخصیت اصلی فیلم الساندرا بود و گفتند اسمش را الساندرا بگذاریم.

شما تا به حال عید را ایران نبودی، کسی تا حالا چیزی از عید نوروز گفته؟ هفت سین را می شناسی؟

■ ولاسکو تعریف کرده بود. زمانی که در باشگاه ورونا کار می کردم، دو بازیکن ایرانی به نام معنوی ۲ سال و شریفی یک سال با ما بودند و آنها برایم از نوروز و هفت سین گفته بودند. من همه را می دانم.

در ایتالیا شما هم رسمی مشابه ایران دارید که شب عید مثلا ماهی بخورید؟

■ ما در ایتالیا برای اولین روز بهار لوبیا می خوریم، می گویند شانس می آورد. خانواده ما که این طوری است. البته در ایتالیا رسم هر جا فرق می کند. یک جاهایی شیرینی های مخصوص دارند به نام پنتونه. یک نکته جالب بگویم که من دسامبر اینجا بودم و نوروز را به ایتالیا رفتم. این را هم بگویم که رنگ قرمز ما را به هم نزدیک می کند. شما در هفت سین قرمز دارید، ما هم در ایتالیا داریم.

پرچم کشورهای مان هم شبیه است.

■ بله...

خیلی ها می گویند ایرانی ها و ایتالیایی ها شباهت دارند. نظرتان چیست؟

■ از لحاظ چهره، من به نوعی تازه دارم بچه ها را می شناسم. چهره دختران با روسری و بدون آن متفاوت است. البته ماسک هم مشکل را چند برابر می کند. در ایتالیا هم ماسک شناسایی را سخت می کند. اما ابعاد فرهنگی، اجتماعی را بررسی می کنم که مسائل متفاوتی هست، من نیاز به زمان دارم تا بتوانم شباهت ها و تفاوت ها را بدانم. به هر حال تازه دارم می شناسم و بررسی می کنم. به هر حال فرق ها برای سازندگی است. من ایران را می شناسم، یک چیزهایی از ایتالیا به ایران می دهم و همین طور از ایران به ایتالیا.

لابه‌لای صحبت‌هایت گفتی در ایتالیا خیلی سخت به خانم‌ها اعتماد می کنند. این را در مصاحبه اول که به ایران آمدی گفته بودی. چرا این طور است؟

■ برای اینکه تعداد زن های فعال در والیبال کم است، همین طور تعداد زنان مربی که مردان را تمرین بدهند هم کم هستند، شاید به تعداد انگشتان یک دست است. زنان در بحث های سیاسی و فدرال هم همین داستان را دارند. شاید آره، شاید هم نه، اما فکر کنم زنان انتخاب های زیادی می کنند در خانواده و این چیزها باعث می شود عقب بیفتند. یک دلیل دیگر هم این است که یک عده در ایتالیا مثل شما که پر سیدید شاید در ایتالیا هم فکر کنند که مردان به حرف زنان گوش می دهند؟ ولی من با قدرت تمام نشان دادم که می شود.

من طبق فرهنگ خودمان این سؤال را پرسیدم.

■ ایتالیا هم همین است اصلاً غصه نخورید. آنجا هم این سؤال را از من می پرسند.

شما وقتی به ایران آمدید ۱۵ روز ماندی و برگشتی، در ایتالیا دوستان و آشنایان اولین سؤالی که درباره ایران پرسیدند چه بود؟

■ پرسیدند باید روسری سرت کنی؟ همه در نگاه اول که می فهمیدند همین بحث روسری را می پرسیدند. اما کسانی که مرا می شناختند بحث استقلال را داشتند که آیا می توانی در ایران همچنان مثل همیشه که بودی مستقل بمانی؟ ذهنیت آنجا درباره ایران مبهم است. یک مشکل دیگری که در جوامع غرب است، بی اطلاعی آنها از این منطقه است. مثلاً ایران را با عراق اشتباه می گیرند. دارم سعی می کنم که اینجا را بشناسند.

آمدن به ایران در رسانه‌های ایتالیایی بازتاب زیادی داشت و حتی اولین نشست خبری هم در یوتیوب پخش می شد. نگفتند که چی شد که داری به ایران می روی؟ آمدن شما به ایران در آنجا چقدر مهم بود؟

■ بازتاب که خیلی زیاد بود. شبکه های رأی ۱ و رأی ۲ که شبکه ملی ایتالیا هستند، منعکس کردند. آنها درباره دو چیز سؤال می پرسیدند؛ یکی اینکه چه طوری زن مثل من از ایتالیا بیرون رفته و سرمربی زنان یک کشور دیگر شده؟ و بحث دیگر هم با شناختی که از من داشتند، این بود چه طور زنی مثل من به جایی رفته که فرهنگ زنانش این قدر متفاوت است.

حالا از آمدن به ایران، راضی هستی؟

■ بله حتماً. همه می دانند که چقدر من دوست داشتم بیایم و خوابش را می دیدم و خیلی هم راضی هستم از آمدنم. می دانستم کمی سخت خواهد بود. در رابطه با ورزش زنان ایران می دانستم که کمی سخت است و باید کار شود. این یک چالش است و من هم چالش را دوست دارم.

شعبانیان: قضاوت اله زود است

میترا شعبانیان سرمربی تیم نوجوانان والیبال، الساندرا کمپدلی را مربی خوبی می داند. اما قضاوت درباره او را زود می داند: «عملکرد هر مربی در مسابقات مشخص می شود و حالا برای قضاوت او زود است و فرصت دارد تا تیمش را آماده کند. حتی ولاسکو وقتی سرمربی تیم ملی مردان شد هم مخالفان زیادی داشت اما در عمل والیبال ایران را متحول کرد. حالا در تیم ملی والیبال زنان هم تا عملکردش را در مسابقات نبینیم، نمی توانیم قضاوت کنیم. به هر حال هر مربی سیستم و روش خاص خودش را دارد و فدراسیون هم امکانات را فراهم کرده است. باید دید چه تغییراتی در تیم به وجود می آورد.»

به گفته شعبانیان مربی ایتالیایی رزومه خوبی دارد: «اله با تجربه و رزومه دار و مربی به ظاهر خوبی است. وقتی آمد هیچ مشکلی نداشتیم. او چند جلسه به اردوی تیم نوجوانان آمد. البته هدف او بیشتر ارزیابی بازیکنان بود. اله حتی در یکی، دو جلسه هم نکات ریزی را مطرح کرد. البته او همیشه در اردوی تیم من نبود، چرا که برنامه های خودش را دارد.»

سرمربی تیم نوجوانان، نمی داند فرصت دو سال برای پیشرفت تیم ملی کافی است یا نه: «من حالا نمی توانم بگویم دو سال فرصت خوبی برای اله و موفقیت تیم ملی هست یا نه. این قضیه به برنامه مربی ربط دارد و نگاه فدراسیون.»

مردان ایتالیایی هم خیلی به زنان اعتماد نمی کنند

تعداد زن‌های فعال در والیبال کم است، همین طور تعداد زنان مربی که مردان را تمرین بدهند هم کم هستند، شاید به تعداد انگشتان یک دست. زنان در بحث‌های سیاسی هم همین داستان را دارند. اما فکر کنم زنان انتخاب‌های زیادی می کنند. درگیر خانواده و بچه می شوند که باعث می شود کمی عقب بیفتند. یک دلیل دیگر این است که یک عده در ایتالیا مثل شما فکر کنند که مردان به حرف زنان گوش نمی دهند. ولی من با قدرت تمام نشان دادم که می شود مربی مردان شد و نتیجه هم گرفت.

آلساندرا کمپدلی
متولد: ۱۹۷۴ ایتالیا
شروع ورزش: عضو تیم ملی هاکی ایتالیا
مربیگری: ناشنوایان زنان ایتالیا
مدال نقره اروپا ۲۰۰۹
المپیک ناشنوایان ۲۰۱۷ نقره
زیر ۲۱ سال اروپا ۲۰۱۸ نقره
ناشنوایان جهان ۲۰۱۹ طلا
باشگاهی: سرمربی تیم مردان ورونا در سری آ

در صحبت‌ها از ولاسکو اسم بردی، ظاهراً قبل از آمدن با ولاسکو مشورت کرده بودی. وقتی پیشنهاد ایران مطرح شد، نگفتی ایران کجاست؟ ایران مگر ورزش زنان هم دارد؟

■ من نمی خواستم که کسی به من اطلاعات اضافی دهد، چون نمی خواستم ذهنیتی داشته باشم و می خواستم خودم ببینم. وقتی ولاسکو آمد مشورت بدهد، حسابی مایه گذاشت. گفت ایران کشور خوبی است و مردم فوق العاده‌ای دارد و با غذاهای خیلی خوشمزه. در مورد والیبال هم شنیده بودم که رئیس فدراسیون خیلی در کارش جدی است، قابل اعتماد و می خواهد برای زنان هم کارهای بزرگی انجام دهد و به همین دلیل خواستم اینجا بیایم.

در این مدت این مسائل را دیدی؟

■ صد در صد. ولاسکو هر چه می گفت درست بود و همه را دارم می بینم.

در اولین مصاحبه گفته بودی زنان ایرانی قدرتمندتر از زنان بقیه کشورها هستند. چه تفاوتی دیده بودی؟

■ من اینجا می بینم که زنان اراده قوی دارند و واقعاً می خواهند به تیم ملی بیایند و خارج از اینجا موفقیت های چشمگیر داشته باشند، این خیلی مهم است که خودشان را محک بزنند. آن را به چشم دیدم که می خواهند از من بهره کامل را ببرند. ما به ایتالیایی می گوییم مار دو نو، یک جوابی همه چیز را می قاپند. انگار می خواهند همه چیز را جذب کنند. در ایتالیا برای یک تیم که حرف می زنید نهایتاً یک نفر آن کار را می کند اما اینجا این شکلی نیست و اکثراً طالب هستند. البته بگویم که پیشرو بودن ذات دختران ایرانی است و می خواهند خودشان را ثابت کنند. نه فقط در والیبال بلکه در ورزش.

مدتی که تهران بودی و شناختی که به دست آوردی کافی بوده و فکر می کنی انتخاب ایران درست بوده؟

■ بله صد در صد همین طور است. البته که من زمان بیشتری می خواهم تا زبان و فرهنگ را بهتر بشناسم. اول زبان را باید یاد بگیرم، این پروسه را کمی آهسته و سخت می کند. اما در کل ایران زمین جایی است که می شود راحت کار کرد و پتانسیل پیشرفت را دارد.

به نظرت چه زمانی نتیجه کار شما مشخص می شود؟

■ این کاری که می خواهیم بکنیم بیشتر از یک سال طول می کشد، یک سال زمان کمی است. البته قرار دادم یک + یک است. در این یک سال می خواهم حسابی روی پایه ها کار کنم و آنها را درست کنم، اما برای اینکه بتوانیم حرکت انقلابی بکنیم حداقل سه سال زمان لازم است. اما کار شدنی است.

شدنی یعنی اینکه تیم زنان ایران حالا هفتم آسیا است، می تواند مثل مردان اول آسیا شود و به سطح جهان برسد؟

■ شدنی است. اما کارهای ما فقط برای تیم ملی نیست و با تیم رده های مختلف کار می کنیم. یکی از مشکلات تعداد کم بازیکنان دختر با تجربه در سطح بین المللی است. می خواهیم آنها را زیاد کنم و برای همین روی پایه ها کار می کنم. خوشبختانه کشور شما استان های زیادی دارد. سعی می کنم استعدادهای همه جا را پیدا کنم و پرورش دهم تا از همه ظرفیت استفاده کنم. می خواهم آنقدر دختر خوب شوند که انتخاب بازیکن سخت شود. علاوه بر دختران می خواهم روی مربی ها هم کار کنم.

من می دانم شما معلم بودی و در راهنمایی هم درس دادید. فرق معلمی و مربیگری چیست؟

■ به نظر من مضمون هر دو کار یکی است. برای من چیزی که در همه زندگی مهم و جالب بوده یادگیری است. یادگیری می تواند احترام متقابل در تیم باشد یا اینکه کارهای تکنیکی و تاکتیکی باشد. یادگیری مهم ترین چیزی است که دوست دارم. آدم می تواند از این کارها استراتژی یاد بگیرد. بحث دیگری که خیلی دوست دارم این است که می توانم موجب ایجاد توانایی بچه ها شوم. یعنی چیزی فراتر از وجودشان یاد بگیرند. موضوع دیگر بحث ارتباط است. این باعث می شود در تیم یا با فدراسیون رابطه خوب بگیرند.

در نشست خبری سلام گفتی. حالا چقدر زبان فارسی ات پیشرفت کرده؟

■ من در تمرین تعدادی از کلمات را یاد گرفتم. کلماتی مثل برو، نرو که بچه ها می گفتند. جلو و عقب، ان شاءا...، باشه، مرسی و...

لیگ مردان ایران را هم می بینی؟ آنها را چطور ارزیابی می کنی با ذهنیتی که از معنوی نژاد و شریفی داشتی.

■ سطح لیگ مردان خیلی خوب است. نیمه نهایی آنها را دیدم اما فرصت نکردم بیشتر از این دنبال کنم. برایم خیلی جالب است که بیشتر بدانم و اینکه بدانم جوان ها چگونه وارد این رشته می شوند.

ولاسکو رنسانسی در والیبال مردان ایران به وجود آورد، خیلی ها فکر می کنند اله هم همین راه را در والیبال زنان ایران برود، به نظر خودت تو ولاسکوی زنان ایران می شوی؟

■ قطعاً امیدوارم که نشانه‌ای بر جای بگذارم. اما خودم را آنقدر جسور و گستاخ نمی بینم که بخواهم خودم را با ولاسکو مقایسه کنم و فکر هم نمی کنم احتیاجی به این کار داشته باشم. سعی می کنم به والیبال ایران در راستای مسیر توسعه و پیشرفت کمک کنم، بدون این که بخواهم «از کسی» کپی کنم یا «به کسی شبیه باشم» اما همه تجربه و شایستگی هایم، شور و اشتیاق شدیدی که مرا به ورزش درخشان متصل کرده و توانایی من در انتقال حس مصمم بودن، عزم و میل به پیشرفت را به بازیکنانم منتقل کنم.

من به کار سخت، خستگی و زحمت اعتقاد دارم. من به احساس مسئولیتی که همه ما باید در قبال خودمان، تیم، فدراسیون و ایران داشته باشیم، اعتقاد دارم.

من از این که عضوی از این تیم ملی هستم و نماینده همه بانوان ایران، احساس غرور می کنم. من به سرگرمی و تفریح و حس مصمم بودنی که می خواهم در زمین و وجود بازیکنانم ببینم، معتقد هستم... و این آگاهی که خوش شانس هستیم که این روزها می توانیم ورزشی که دوست داریم و معرف کشورمان است را انجام دهیم. من به اعتمادی که باید بتوانم به اعضای کادر فنی ام، به بازیکنان و هر کسی که با من کار می کند، داشته باشم، اعتقاد دارم، چرا که این اعتماد، یک تیم واقعی را می سازد. همان اعتمادی که باید بسازیم، بین من و بازیکنانی که انتخاب می کنم. چرا که اعتماد اهمیت بسیار زیادی دارد! و این همان چیزی است که من می خواهم در تیم ملی بسازم و این که بعداً باید تبدیل به نمونه‌ای برای تمام والیبال ما شود. تکرار می کنم، آهسته، آهسته، قدم به قدم، تلاش می کنم همه اینها را روبسازم، فکر نمی کنم کپی کاری درست باشد و احتیاجی ندارم که شبیه کسی باشم.

جواد مهرگان
رئیس کمیته آموزش فدراسیون والیبال

اله دید خوبی به والیبال دارد

درست نیست والیبال زنان را با مردان مقایسه کرد. چرا که زنان شرایط خاص خودشان را دارند و از این مقایسه باید دست برداشت. چرا که ورزش زنان از نظر اجتماعی، فرهنگی و تاریخی شرایط خاصی دارد. به همین دلیل والیبال زنان و مردان با هم خیلی فرق دارند. حتی باید والیبال زنان را یک پروژه جدا دید و نمی شود والیبال مردان را به عنوان الگو برای زنان استفاده کرد. زمانی والیبال زنان پیشرفت می کند که والیبال رده های پایه، نوجوانان و جوانان جزو تیم هایی باشند که رشد زیادی در مقام یا عملکرد داشته اند. بهترین کار این است که نه به صورت شعاری که به صورت عملی و اجرایی در شهرها و استان های مختلف کانون های والیبال داشته باشیم. کانون های تربیت بازیکنان، مثل خیلی از کشورها با وسعت ایران وجود دارد. ما باید این کانون ها را با حمایت فدراسیون داشته باشیم؛ با مربیان خوب و مسابقات سازمان یافته سالانه‌ای برای بازیکنان آنها برگزار شود. در واقع به جای فدراسیون، کانون ها اردوها را برای بازیکنان برگزار کنند و آنها در اردوی کوتاه مدت برای رقابت های رسمی آماده شوند. بنابراین بدون آن نمی توانیم مدل پایدار برای والیبال زنان داشته باشیم.

الساندرا کمپدلی هم می تواند به رشد والیبال زنان کمک کند، اما باید تمرینات او را دید. به هر حال او دید تمرینی خیلی خوبی دارد و برافزایش تعداد تکرارهای درست بازیکنان در شرایط مسابقه تأکید دارد؛ موضوعی کلیدی که در پیشرفت بازیکنان تأثیرگذار است. خوشبختانه تیم ملی والیبال زنان ما می تواند بازی های زیادی را انجام دهد. اما حالا زود است درباره او صحبت کردن و باید کارش و پیشرفت تیم را دید. خیلی نباید در قید و بند رتبه تیم در مسابقات بود، ولی معتقدم تا کار پایه‌ای انجام نشود، هر اتفاق دیگری کاملاً موقتی است. ما در بین تیم های درجه ۳ با تیم های استرالیا، فیلیپین، ویتنام، اندونزی و هند رقابت داریم و باید به درجه ۲ برسیم؛ جایی که تیم های قزاقستان و چین تایپه هستند و بعد درجه یک. البته در سال های اخیر با برنامه ریزی به تیم های درجه ۲ نزدیک شده‌ایم و امیدوارم بتوانیم با ورود به تیم های درجه ۲ جابیفتیم و بعد به جمع تیم های دسته یک برسیم. البته که برنامه ریزی بلندمدت می خواهد که بین ۴ تا ۸ سال زمان لازم دارد تا بازیکنان ۸ تا ۱۳ سال با تربیت در کانون ها و سرمایه گذاری، نتیجه دهد. وگرنه همه چیز رندمی می شود. مسیری که قبلاً هم رفته‌ایم.

تو گفتی به خاطر پسرت که ناشنوا بود، با والیبال ناشنوایان آشنا شدی و کار کردی. سخت ترین بخش کار ارتباط با ناشنوایان است، چطور با آنها کار می کنی، با همان زبان اشاره؟ آموزش تاکتیک و تکنیک سخت نیست؟

■ برای ارتباط با دختران تیم ملی ناشنوایان ایتالیا، بیشتر از هر چیز از لب خوانی و ارتباط غیرکلامی استفاده می کردم. همه ناشنوایان برای صحبت از زبان اشاره استفاده نمی کنند. قطعاً برای انتقال مفاهیم تکنیکی و تاکتیکی، وقتی که ارتباط بلاواسطه، راحت و مستقیم نیست، کار بیشتری می برد. اما روی هم رفته، همینجا، در ایران، با یک تجربه مشابهی سروکار دارم. این که نمی توانم حالا با زبان فارسی با بازیکنان ارتباط برقرار کنم. این مرا نمی ترساند: استراتژی ها پیدا می شوند!

اراده و حداقل برای اوایل کار، مقدار زیادی صبر و همکاری از جانب همه کفایت می کند.

کار با ناشنوایان باعث شده تا انسان بهتری باشی، یعنی چی؟

■ قطعاً. کار با دختران ناشنوا به من کمک کرده که بهتر باشم، چه به عنوان یک انسان، چه به عنوان یک معلم و چه به عنوان یک مربی. من از آنها و با آنها خیلی چیزها یاد گرفتم.

مجبور بودم استراتژی های جدید پیدا کنم تا آنها بتوانند یاد بگیرند.

یاد بگیرم به طرز آگاهانه تری از زبان غیرکلامی استفاده کنم.

یاد بگیرم، انتخاب کنم چه چیزی بگویم که زیاد صحبت نکنم و تصمیم بگیرم چه زمانی آن را بگویم

یاد بگیرم، برای این که ریسک نکنم زیاد صحبت کنم و سخنم خیلی طولانی نشود، اولویت هایی را در چیزهایی که می پرسیدم برای خودم قرار بدهم: در نتیجه، تصمیم از قبل درباره اینکه چه چیزهایی مهمتر بود که قبل از آن چیزهای دیگر سؤال کنند.

یاد بگیرم حالاتشان را در چهره شان بخوانم، که برای من تعیین کننده میزان درک و فهم یا اعتماد و یا انگیزه آنها بود. تمام چیزهایی که چه برای کسی که درس می دهد و چه مربی است، مهم است. چیزهایی که برای من مفید بوده و خواهد بود، حتی در کار معلمی و مربیگری‌ام در تیم های ناشنوایان.

با تعریف از حال و هوای ایران، اعضای خانواده و دوستانت مشتاق سفر به ایران شدند؟

■ قطعاً می خواهند بیایند تا به من سر بزنند، امیدوارم هر چه زودتر بیایند.

زمانی که تصمیم گرفتم پیشنهاد فدراسیون ایران را قبول کنم، بعد از لحظه‌ای از نگرانی آشکار، همه خانواده‌ام با اشتیاق انتخاب را پذیرفتند و متوجه اهمیت این قضیه برای من شدند. آنها به انتخاب من افتخار می کنند و می دانند کارهایم برای کمک به پیشرفت والیبال بانوان ایران است.

گفتی در ایتالیا با تیم مردان کار می کردی که با بازیکنان ایرانی آشنا شدی. می خواهم بدانم که یک خانم می تواند مربی تیم فوتبال مردان شود یا تیم مردان را مدیریت کند و با گواردیولا رقابت کند؟ یک خانم می تواند با ولاسکو رقابت کند؟

■ آن دو بازیکن ایرانی زمانی که تمرین می کردند، من آنجا بودم. در جواب سؤالتان بگویم حتماً می شود چرا که نه. رقبای من در ایتالیا همیشه مردان بودند.

نتیجه‌اش چه بود؟

■ نتایج خیلی خوبی داشتیم و خیلی از بچه هایی که با من کار می کردند، حالا در سوپرلیگ و تیم ملی هستند.

حرف هایت را گوش می دادند؟

■ قطعاً. هیچوقت به مشکل خاصی برنخوردم و هنوز هم به هم پیام می دهیم. اگر بگویید سرمربی تیم ملی مردان ایران شوم، مشکلی ندارم چون عادت دارم و سبک کار را می شناسم.

اسم بازیکنانی که در لیگ و تیم ملی بازی می کنند را بگویید.

■ با خیلی از بچه های جوانی که در تیم ملی هستند کار کرده‌ام. از بازیکنان سوپرلیگی می توانم از جولیو ماگالینی، ماتیاگو تاردو، نیکولو هوفر که مثل پسرم است، جان لوکا گالاسی و فرانجسکو دوناتی نام ببرم.

می دانم که خانواده والیبالی داری. می دانم که به دلیل اینکه یکی از پسرهایت ناشنوا است و به سمت والیبال ناشنوایان رفتی. چه شد که به والیبال آمدی و پسرانت را هم به سمت والیبال کشاندی؟

■ پدرم بازیکن و مربی والیبال بوده و همین باعث شد وارد دنیای والیبال شویم و از آن بیرون نرویم. همین باعث شد که زمان بیشتری با هم بگذرانیم. من یک پسر نیکولو است که در ترنتینو بازی می کرد و ریکاردو در ورونا بود. من آنها را در هر دو تیم تمرین می دادم و این باعث شد که در سطح سوپرلیگ فعالیت کنم. چون هر دو تیم در سطح سوپرلیگ هستند و از اول سطح همه چیز بالا رفت. وقتی در ترنتینو بودم این شانس را داشتم که جانلی، نلی و ماتزونه را هم در همان تیم داشتم و با آنها کار کردم. حتی جیانلی که حالا پاسور تیم ملی ایتالیا است که شانس بزرگی بود. در صورت شما می بینم که با ورنمی کنید من پسران را تمرین می دادم.

دختر دارید؟

■ نه دو پسر دارم.